



کلاف

ضمیمه نوجوان

شماره ۸ ■ ۲۸ فروردین ۱۳۹۹

نوجوان



زهرآ قربانی



باتشکر از:
آقای حمید
قبادی، دبیر
سابق کارگروه
ساماندهی مد و
لباس کشور

و

گروه تحقیق
و پژوهش
نوجوانه:
محمد صادق
امانی،
امیرحسین
کاربخش، کیمیا
صادقی

طرح: احسان نجفی

۴

نگاهی به چالش

حالا چه؟



اسکندر مقدونی که معرف حضورتان هست؟ يك جست و جو ویکی پدیایی کافیت این والا مقام را با هزار دبدبه و کبکبه و شکست ناپذیری و امپراتوری بی مثالش بشناسید. این جناب اسکندر آن زمان که همه پارچه به خود می پیچیدند و در اجتماع ظاهر می شدند، لباس ایرانی می پوشیده!

حالا گیر به اغراق من ندهید به هر حال آن زمان که صنعت مد و لباس صاحب «برندینگ» و «مارکتینگ» و از این جور چیزها نبوده، احتمالا اسکندر دیده يك چیزی دارد پشت گردنش را مثل خوره می جود و لباس را درآورده ببیند این «چیز» اعصاب خوردکن چیست و دیده ای دل غافل! مارک پالتو خزا اعلاای ایرانی اش است؛ که روی آن نوشته: میداین ایران!

وارداتی - ارسال رایگان

این روزها اغلب ما مخاطب پیج هایی هستیم که از این جور

پست ها می ذارن:

جدیدترین پیراهن گل گلی حریر نمیدونم چی چی بزنند زورو

با پیگمنت بالا

تعداد محدود

پرایس: پونزده میلیون و سیصد و هفتاد و پنج هزار و نهصد

بیست و سه ریال!

پی نوشت: وای بچه ها تورو خدا ننگا کنین چقد گوگولیه! الان توی ایتالیا این پیرن خیلی معروفه. همه اونجا از اینا می پوشن

منم بدونه دارم جنسش عالی.

خواهی نشوی رسوا هم رنگ جماعت شو!

بر فرض محال هم فکر کنید آدم نخواهد روی مد پیش برود ولی عمرا نمی تواند کفش ونس زرشکی دور مشکی دختر خاله نازیلا و کلاه سایبانی اسم ماه تولد دوزی شده دوست صمیمی خود را ندیده بگیرد! يك جاهایی دیگر نداشتنش افت دارد، باید خرید! بد می گویم آیا!؟

ویرترین های رنگارنگ

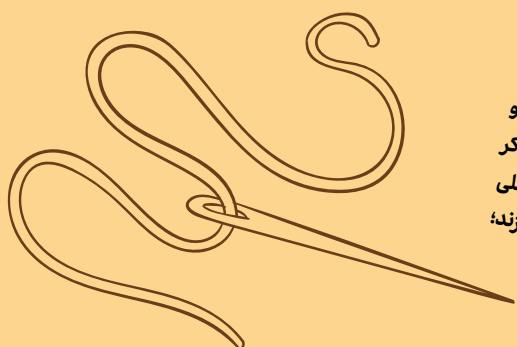
چشماتان روز بد نبیند؛ همین چند هفته پیش بود که برادر گرامی آتش و لاش وارد خانه شد و کاشف به عمل آمد با موتور، چند صد متری روی آسفالت لیز بازی کرده است اما جالب ترین چیزی که توجه من را جلب کرد شلوار به روز شده پاره پوره و به قول این کاره ها زاپ دارش بود که شده بود عین شلوار های چند صد هزار تومانی پشت ویرترین! گفتم ویرترین، یادم افتاد بگویم همین ویرترین فروشگاه هایی از مهم ترین ابزار قیلی ویلی دهنده برای خرید لباس روی مدام است.

زار زن!

والا! (کاش نویسنده بود و ادای این والا را خودش در می آورد.) يك سلبریتی معروف کمی خوش چهره و چندین سال دنیل و پشت بازو زده را مدل کت و شلوار می کنند، جوری که آدم فکر می کند کت را که بیوشد خود خود فلانی می شود. بعد که با کلی بدبختی فروشگاه برزند مربوطه را پیدا می کند و کت را تن می زند؛ حالا بیا و ببین!!



چرا سراغ مُد می رویم؟



مراقب نوشته های روی لباسمان باشیم